

همگام با جشنواره

اربابی: فجر؛ سرنوشت سینمای ایران



● **گروه هنر:** محمود اربابی، عضو هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر درباره نقش جشنواره فیلم فجر عنوان کرد: «برخی از دوره‌های جشنواره اتفاق‌های ویژه‌ای را در دل خود دارند، تصور می‌کنم با توجه به حضور فیلم‌سازان پیش‌کسوت و همین‌طور فیلم‌سازان جوان با نگاهی نو، شاهد اتفاقات خوبی در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر باشیم.» به گزارش روابط عمومی جشنواره فیلم فجر، محمود اربابی یکی از مدیران سینمایی در مورد پیش‌بینی خود از سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر گفت: «فارغ از همه برنامه‌ها، سیاست‌ها و اقداماتی که مدیران، سیاست‌گذاران و هنرمندان سینما انجام دادند، بی‌تردید جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین رویدادی است که بر سرنوشت سینمای ایران تأثیر داشته است. تصور می‌کنم اسمال نیز همین مسیر طی خواهد شد و از نشانه‌های آن، همین اشتیاقی است که فیلم‌سازان برای حضور آثار خود در جشنواره نشان می‌دهند».

● **هدیه اشپیتز مارلین به موزه سینما**

● **گروه هنر:** اریک اشپیتز مارلین، آهنگ‌ساز و صداربردار اتریشی که میهمان جشنواره فیلم حقیقت است، دستگاه ضبط صدای آتالوک قدیمی خود را به موزه سینمای ایران اهدا کرد. محمد حمیدی‌مقدم مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و دبیر جشنواره سینما-حقیقت و برخی از مدیران میهمانان خارجی جشنواره از موزه سینمای ایران بازدید کردند. به گزارش روابط عمومی موزه سینما، حمیدی‌مقدم گفت: «کار نمادین اریک اشپیتز کار بسیار مهمی در خانواده سینمای مستند و حرکت نمادین بسیار زیبایی است.ایشان دومین بار است که به جشنواره سینما -حقیقت می‌آید. سال گذشته ورکشاپ‌های بسیار خوبی در جشنواره برای جوان‌ها در حوزه تخصصی صدا داشت. کار امروز او برای کسانی که توانستاری سینما دارند خیلی زیاتر است به‌خصوص برای دوران قدیم عصر آتالوک و دستگاه ناگرا (nagra)، اهمیتی که این دستگاه در سیستم آموزشی آکادمی در ده‌های گذشته دارد، درواقع یک ویژگی خاص را به عبارت ناگرا در سینما داده است.» در ادامه مدیرعامل موزه سینما در این دیدار از حضور میهمان تشکر و قدرانی کرد و گفت: «موزه سینمای ایران آمادگی هرگونه کمک و همراهی با سینمای مستند داخلی و خارجی به‌خصوص به جوانان علاقه‌مند را دارد.» اریک اشپیتز نیز در ادامه گفت:«این وسیله ضبط مهمان کارایی دارد، یک ویژگی مهمش امکان آسان باز و بسته کردن است و تنها دستگاهی است که هم‌زمان با ضبط و رکورد امکان تعمیرش وجود دارد. من در تولید از این دستگاه بسیار استفاده کردم. در این مراسم لوح تقدیری توسط مهران عباسی مدیر موزه سینما به اریک اشپیتز اهدا و این دستگاه ضبط صدا در موزه سینما جاذب‌اری شد؛ همچنین عباسی از نظرات و پیشنهادات میهمانان برای ارتقای سطح کمی و کیفی موزه استقبال کرد و گفت‌وگوهایی در حاشیه این برنامه صورت گرفت.

مستندی درباره زنده‌یاد داود روستایی در سینما- حقیقت

● **گروه هنر:** فیلم مستند «قصری با دیوارهای قرمز» روایتی از داود روستایی، فیلم‌ساز پیش‌کسوت سینمای ایران است که در بخش فیلم‌های جشنواره بین‌المللی سینما- حقیقت روی پرده می‌رود. به گزارش روابط‌عمومی این مستند، مستند سینمایی «قصری با دیوارهای قرمز»، به کارگردانی عباس زرنجی، درباره زنده‌یاد داود روستایی و مجموعه فیلم‌های آلترناتیو توقیف‌شده اوست که در بخش مسابقه ملی سیزدهمین جشنواره سینما - حقیقت به نمایش درمی‌آید.این مستند به تهیه‌کنندگی و کارگردانی «عباس زرنجی» برای اولین‌بار مستندات تصویری شهرنو (مجله قلعه) را نشان می‌دهد و از دیگر آثار نمایش داده‌شده داود روستایی پرده‌برداری می‌کند. مستند «قصری با دیوارهای قرمز» در شنبه، ۲۳ آذر، ساعت ۱۴ سالن ۱ر دبیرس سینمایی چارسو اکران می‌شود.

گروه هنر: ششمین جشن نوشتار سینمای ایران سه‌شنبه ۱۹ آذر با حضور سینمایی‌نویسان، هنرمندان واصحاب رسانه در سالن سیف‌الله داد خانه سینما برگزار شد. در ابتدا کامران ملکی که اجرای این برنامه را بر عهده داشت، با تأکید بر اینکه برگزاری این مراسم برخلاف نامش «جشن» نیست، گفت: «شرایط اقتصادی و فرهنگی کشور به‌گونه‌ای است که نمی‌توان جشنی برگزار کرد؛ بنابراین مراسمی به روال سایر «مراسم»های فرهنگی و هنری برگزار می‌شود و قرار است به افرادی که بر اساس نظر هیئت داوران آثارشان بررسی و برگزیده شده است، جوایزی اهدا شود.» در ادامه خسرو دهقان، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی منتقدان و نویسندگان آثار سینمایی گفت: «باید از تلاش‌های هیئت داوران جشن و دبیر این دوره جشن و آقای جعفر گودرزی، گرداننده اصلی این رویداد، تشکر ویژه‌ای داشته باشیم. برگزاری

جشن چند هفته‌ای به تعویق افتاد. دلایل آن برای همگی مشخص است. تسلیت می‌گویم به آقایان سعید عقیقی و عباس یاری که هر دو برادران‌شان را از دست دادند و آقای حسین‌نژاد که مادر گرامی‌شان را از دست دادند. آقای نصرت کریمی عزیز و در آخر فوت ناگهانی مهندس «دهکردی. در کنار همه این تسلیت‌ها، یک تولد هم داریم و باید علی معلم را گرامی می‌داریم. خاطره او هیچ‌گاه از ذهن من پاک نمی‌شود. این رویداد فرهنگی، سنتی است که اگر قرار باشد در سال فقط یک اتفاق در دستور کار ما قرار گیرد، قطعاً برگزاری این مراسم است. اگر در آینده از داوری محدود خارج شویم و وارد داوری آکادمیک شویم و حدود ۴۰۰ نفر در داوری درگیر شوند، می‌توانیم ادعا کنیم همه چیز را رصد کرده‌ایم. این داوری که نتایج آن بزودی اعلام می‌شود، نتیجه داوری است که بر طبق آثار ارسالی انجام شده است.» در بخش بعدی منوچهر شاهشواری، مدیرعامل خانه سینما عنوان کرد: «حتماً شما بیشتر از من می‌دانید که به نظر می‌رسد ما وارد دوران رکود رسانه‌های مکتوب شدیم و امر کاغذ، قلم و نوشتن کمی اعتبار و گستردگی گذشته خودش را از دست داده و بیشتر فضا به سمت فضای مجازی می‌رود؛ ولی فکر می‌کنم چاره‌ای نداریم جز اینکه به این ماجرا برگردیم. این یک منحنی است. آنچه اعتبار جهان را ثابت کرده، خلاصیت و قلم‌های گران‌قدری است که آثار بسیاری را به‌جا گذاشته‌اند. برای همین است که هنوز هم اگر قرار باشد به یک امر تحققی و پژوهشی درست در موضوعی بپردازیم، حتماً دوباره به سوی کتاب خواهیم رفت. فضای اینترنت بیشتر راهنمایی‌کننده شما و شبیه نقشه راه است. ضمن اینکه با تأسف باید گفت فضای مجازی در کشور ما بیش از آنکه به امر گفت‌وگو و ملاحظات انسانی و عاطفی بپردازد، بر از هیجانات خشونت‌آمیز است و این فضای خشن و گاهی اوقات پر از توهین، ما را نسبت به هم دچار سوءتفاهم می‌کند. به همین دلیل است که فکر می‌کنم انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ما یک وظیفه تاریخی بر عهده دارند. آن‌قدر که من این بخش از فعالیت انجمن منتقدان را دوست دارم، بخش دیگری از فعالیتش را که اهدای جوایز به بخش‌های دیگر سینما است، محصول کار خلاقانه نمی‌دانم. انصافاً فکر می‌کنم جشن نوشتار سینمایی کار درجه‌یکی است و امیدوارم با ملاحظات جدی بتوان آن را در فعالیت آکادمی خانه سینما قرار داد.» او ادامه داد: «منی دادم چرا به فخر یک یک کل سرخ گاهی اوقات ا ره به دست می‌گیریم؟ فکر می‌کنم اگر توانیم با بردباری، صداقت و راستگویی در ابتدا با خودمان و بعد با دیگران عمل کنیم، راه پیش‌رویمان پردرستر خواهد بود. «سپیده آبروین، دبیر این دوره از جشن نیز که به‌دلیل سفر در مراسم حضور نداشت، با ارسال پیام صوتی گفت: «صمیمانه می‌فشاریم دستی که به حرمت هنر می‌نویسد و صادقانه ارج می‌نهیم چشمی که تماشاگردن را می‌شناسد. خوشحالیم که در ششمین جشن نوشتار سینمای ایران اتفاقات تاری، هوای تازه و فضایی تازه‌ای را تجربه کردیم. رسیدن بیش از ۲۵۰ اثر از حدود صد نویسنده که طیف گسترده از آنها قلم‌به‌دستان جوان سینما بودند، نقطه عطفی است که شاید بیش از این فرصتش دست ن داده یا شرایطش فراهم نشده بود. داوری سالم با همراهی

هنر

برگزیدگان ششمین جشن نوشتار سینمای ایران معرفی شدند

در داوری آکادمیک می‌توان همه چیز را رصد کرد



علی‌اکبر حسین‌نویسنده سینمای ایران

کسانی که هریک به‌نوعی سال‌ها در عرصه قلم، سینما و نقد فعالیت داشته و دارند، نقطه عطف دوم ششمین جشن نوشتار سینمای ایران است. آثاری که بی‌هیچ نشان و ردی از نویسنده یا منبع نشر آن صرفاً با کدگذاری به داوری گذاشته شدند و نتیجه همان شد که باید می‌شد. عدم وجود اسم‌های تکراری، نشریات تکراری و حتی مطالب تکراری گواه این مدعاست. خوشحالیم که در میان برگزیدگان این دوره تنوع چه به‌لحاظ محتوا و چه به‌لحاظ تقسیم‌بندی وجود دارد. آثار با دقت و مرحله‌به‌مرحله بررسی، شمارش و انتخاب شدند و هیچ اثری بدون بحث و گفت‌وگو پیرامون آن برگزیده یا از دور مسابقه خارج نشد. صمیمانه از همه شمایی که آثارتان را به ششمین جشن نوشتار سینمای ایران ارسال و به آن اعتماد کردید بیاسک‌گزارم. باشد که از ماحصل آنچه در این دوره گذشت همچون ما راضی و خشنود باشید و سال‌های پیش‌رو نیز چون اسمال انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران را به تازه‌ترین، پویاترین و تأثیرگذارترین‌هایتان میهمان کنید. در پایان جا دارد به احترام دوست و همکار تازه از دست‌رفته‌مان، همایون خسروی‌دهکری، یک دقیقه سکوت کنیم».

سپس خسرو دهقان، جواد طوسی، جعفر گودرزی، جهانگیر کوثری، حمید دهقانپور برای تقدیر از «مهدی خرم‌دل» روی صحنه حاضر شدند. در ادامه سعید مرتوی به‌عنوان نماینده هیئت داوران، بیانیه هیئت داوران این دوره را قرائت کرد. منوچهر اکبرلو، محمد سلیمانی، منوچهر مصیری، غلام‌رضا موسوی و امید معلم برای تقدیر از برگزیده بخش بهترین مقاله روی صحنه حاضر شدند. تندیس و لوح سپاس این بخش به آریا قریشی اهدا شد. در بخش دیگری از این مراسم از هوشنگ حسینی تجلیل شد. عباس یاری، حبیب اسماعیلی، امیرحسین شریفی و خانواده هوشنگ حسینی برای تجلیل از او روی صحنه حاضر شدند. هوشنگ حسینی در بخشی از صحبت‌هایش ضمن تشکر از انجمن منتقدان گفت: «اگر از فوئتالیست‌ها بپرسیم فوئال را از کجا آغاز کردیم می‌گویند از زمین‌های خاکی. منم باید بگویم از دوران تحصیل همه چیز آغاز شد. من در دبیرستان بابک درس می‌خواندم و هم‌کلاسی‌هایی مثل منوچهر اسماعیلی، بهروز وثوقی، فریبرز صالح، حسین معمارزاده و محمد آفرین داشتم. خوشحالم در مدتی که مشغول فعالیت بودم با چهره‌هایی مثل استاد بنان و دبیرزاده به گفت‌وگو نشستم. بعدها نیز با چهره‌هایی چون آقای اتونی کوین، بازولینی و… گفت‌وگو کردم.» در بخش بهترین یادداشت، مازیار اسلامی، حسین گیتی، حجت قاسمزاده و مهدی سجاده‌چی روی صحنه حاضر شدند و «حسام نصیری» تندیس و لوح سپاس این بخش را دریافت کرد. در ادامه، کلیلی از همایون خسروی‌دهکری بخش شد و یاد او گرامی داشته شد. جواد طوسی، جعفر گودرزی، علی علایی، علی‌اکبر تقفی، نادره ترکمانی، کلی امامی و سعید خال، روی صحنه حاضر شدند و تندیس این بخش به «بیلوفر نیایورانی»، سردبیر ماهنامه سینما-ادبیات اهدا شد. جواد طوسی در این بخش در جملات کوتاهی گفت: «غریبانه مردن یک عزیز تحمل‌کردنش سخت است، مخصوصاً فردی که در چنین مراسم‌هایی کنار ما بود بدون اینکه آن را به یک ربا تبدیل کند. همایون

نگاهی به مصوبه دولت درباره تشکل‌های صنفی - بخش پایانی

نظام صنفی یا انجمن صنفی

یک نفر نماینده کارگران به انتخاب کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان.
یک نفر نماینده مدیران صنایع به انتخاب کانون انجمن‌های صنفی کارفرمایان استان».
تصور کنید اختلاف ناشی از قرارداد سفارش فیلم‌برداری یک اثر سینمایی را به این هیئت ارجاع دهید. نتیجه آن چه خواهد بود؟
۳. کلیه مشمولان کارگران مشمول قانون کار مشمول بیمه تأمین اجتماعی نیز هستند یعنی کارفرما به مجرد عقد قرارداد کار با کارگر موظف به ایفای تعهدات کارفرما مصحح در قانون تأمین اجتماعی و قانون کار است. آیا قراردادهای هنری و ادبی با ماهیت قرارداد کار در استفاده از دانش و هنر و تجربه هنرمندان بازنشسته مطابقت دارد؟ پاسخ منفی است. سازمان تأمین اجتماعی به‌استناد بند ۱۵ ماده ۱۰ قانون تأمین اجتماعی، اشتغال به‌کار مجدد بازنشستگان را ممنوع و در صورت اشتغال مشمولی بازنشستگان قطع و حق بیمه از کارفرما اخذ می‌شود. فرض کنید شما می‌خواهید از استاد علی نصیریان برای بازی در یک اثر سینمایی استفاده کنید از

اعلام نتایج ارزیابی کیفی : پس از انجام ارزیابی کیفی ، دعوتنامه شرکت در مناقشه برای مناقشه گرانی که صلاحیت ارزیابی کیفی را احراز نموده اند ارسال خواهد شد و در آن زمان اصل پاکت الف (مستأندهات شرکت در فرآیند اراج کار) لای و مهر شده را در مهلت مقرر به دفتر کمیسیون مناقصات به نشانی : تهران- خیابان سپهر-فرنی- نرسیده به خیابان سیند- پلاک ۱۸۸- طبقه هشتم تحویل ورسیده در یافت نمایند.

زمان و محل گشایش پاکت :
پیشنهادهای واصله در محل کمیسیون مناقصات و در زمان مندرج در اسناد مناقشه با ارسال دعوتنامه قبلی جهت حضور، بازگشایی خواهد شد.

چیت محاسب اطلاعات زیر ذیل مراجعه و با شماره های ۰۲۱-۶۱۲۶۶۶۴-۰۲۱ تماس حاصل فرماید.

www.shana.ir
www.iopct.ir
شماره مجوز ۵۶۹۸-۱۳۹۸
نوبت اول
(شماره مناقصه ۰۱۱-۵۰۰۰۰۱۱-۲۰۹۸۰)

بچه نازی آباد بود؛ سختی و مرارت را به قدر کافی کشیده بود، ولی مسیری که طی کرد در یک سیر تکامل فرهنگی و اقتصادی باعث نشد از طبقه خودش دور بیفتد. به مناسبت‌های مختلف آن ریشه‌داربودن و حمایتش را از آن افشار نشان می‌داد. ویژگی بارز او پرنسیب‌داشتن او بود. محیطی که در مجله سینما-ادبیات ایجاد کرده بود نمونه و اسستنا بود. باتوق مناسب فرهنگی ایجاد کرده بود و هر شماره‌ای که به یک فیلم‌ساز اختصاص داشت در آن باتوق فیلم‌های شاخص آن فیلم‌ساز را که عمدتا فیلم‌ساز خارجی بود، به نمایش می‌گذاشتند و جلسات نقد و بررسی خوبی ایجاد می‌شد. دوستانه گله‌ای از همکارانم در رسانه‌ها دارم که قرار نیست صفحه هنری یک روزنامه پرتیراژ فقط اختصاص داده شود به برند و افراد مشهور. مرگ غم‌انگیز همایون نمی‌توانست بهانه‌ای شود برای یک بغض و ادای دین در حد یک ستون یک روزنامه؟ تصمیم بگیریم این باری به‌هرجهت‌بودن و بی‌انگیزگی و یک تصویر هیولایی از یکدیگر خلق‌کردن را کنار بگذاریم. امیدوارم عزیزی‌تی که اینجا حلقه پیرنگ مجله سینما- ادبیات هستند این حیات را ادامه دهند».
طوسی در پایان گفت: «بادی کنیم از همکارانی که الان در کنار ما نیستند؛ علیرضا شمرانی، ایرج کریمی، ابوالحسن علوی طباطبایی، محسن سیف و دیگر عزیزی که یاد و خاطره آنها را گرامی می‌داریم.» در بخش دیگری از مراسم، دکتر زهرایاضی، رئیس بنیاد نیکوکاری کنترل سرطان خانواده، در صحبت‌های کوتاهی از غربالگری رایگان سرطان برای اهالی سینما خبر داد و همین‌طور به حمیدرضا مدقق به دلیل تیرت مطلب او که در مخالفت با کشیدن سیگار بود، وعده اهدای جایزه داد.بخش دیگری از مراسم به تقدیر از شاپور عطیمی اختصاص داشت. هوشنگ گلمکانی، خسرو دهقان، جابر قاسمعلی، دکتر حسین‌نژاد و مصطفی احمدی برای تجلیل از او روی صحنه حاضر شدند.پیش از حضور عطیمی روی صحنه، قاسمعلی، دوست دیرینه او، کوتاه درباره رفتار و منش عطیمی طی ۳۰ سال رفاقتشان صحبت کرد و هوشنگ گلمکانی با یادآوری دوستانی که در چند ماه گذشته از دست رفته‌اند، گفت: «داود روستایی مستندسازی بود که یک فیلم بلند ساخت به نام غبارنشینان که دو، سه هفته پیش فوت کردند. همان‌طور که در این مراسم مامش فراموش شد، در مجلس تدفینش هم کمتر از ۲۰ نفر حضور داشتند. کمتر کسی فیلم‌های او را دیده است، اما داستان زندگی او یک حماسه است».

شاپور عطیمی نیز گفت: «خودم را لایق این لطف نمی‌دانم و تشکر می‌کنم. وقتی بنا شد چنین رویدادی برای من شکل بگیرد، فکر کردم که باز یکی دیگر از دیالوگ‌های فیلم‌هایی که خیلی دوست دارم را بگویم. من از تمام دوستانی که این سدری من را تحمل می‌کنند، به این دلیل که نمی‌توانم در معاشرت‌هایم خیلی آدم گرمی باشم، عذرخواهی می‌کنم. در فیلم «چیزهایی هست که نمی‌دانی» لیلا حاتمی به علی مصفا می‌گوید: «وقتی جواب آدمو نمیدی آدم بهش برمی‌خوره» و جواب می‌دهد: «واقعاً نمی‌دونم چی بگم؛» دقیقاً مثل من که نمی‌دانم اظهار لطف دوستان را باید چطور پاسخ بدهم. بلد نیستم احساساتم را نشان بدهم و از همین تریون از دوستانی که روزی روزگاری به‌خاطر همین برخورد ممکن است از من دلگiri شده باشند عذرخواهی می‌کنم.»

همچنین در بخش بهترین گفت‌وگو، سیروس الوند، افسانه یاکان، محمدعلی سجادی و محمود گربلو جایزه بهترین گفت‌وگو را به امید نجوان اهدا کردند.

در بخش دیگری از مراسم، فرانک آرتا، رضا صائمی، مهدی جوانوی، نادر مقدس و کامبوزیا پرتوی برای تقدیر از برگزیده بخش ترجمه روی صحنه حاضر شدند. جایزه این بخش به سعید نوری اهدا شد.
در پایان مراسم کیان افراز، عزیزالله حاجی‌مشهدی و طهماسب صلح‌جو برای تقدیر از برگزیده بخش نقد سینمایی روی صحنه آمدند. جایزه این بخش به «امیررضا نوری پرتو» تعلق گرفت.

ماده‌واحد آمده است «مراکزی که براساس این ضوابط توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی تأسیس شده‌اند و نوع فعالیت آنها مشابه یکدیگر می‌باشد می‌توانند به‌عنوان یک بازنشسته مجاز است؟ اگر پاسخ منفی است آیا می‌توان از یک بازگیر آن هم در اوج بختگی و تجربه به استاد اینکه قانون کار و تأمین اجتماعی اجازه نمی‌دهد خودداری کرد؟ گمان می‌کنم همه بر مضحک‌بودن این استدلال اتفاق نظر داشته باشند ولی نکاتی که عرض شد ناشی از شمول قانون کار بر فعالیت‌های فرهنگی و هنری است.
مرجع مسئول برای ساماندهی تشکل‌های صنفی فرهنگ هنر
همان‌طورکه گفته شد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مدتی است با این استدلال که فعالیت‌های صنفی در وظایف این وزارتخانه نیست، تشکل‌های موجود صنفی را مجبوسو به ثبت ذیل ماده ۱۳۱ قانون کار کرده است. در گفت‌وگوهایی نگارنده به برخی از مسئولان وزارتخانه مذکور این‌گونه یاقتم که مسئولان مربوطه بر اختیارات حقوقی خود مبنی بر نظام‌بخشی به فعالیت‌های صنفی بخش فرهنگ و هنر آشنایی لازم را ندارند یا با وجود آشنایی قصد فرافکنی و فرار از مسئولیت‌های قانونی خود را دارند. مطابق با بند دوم بخش الف سیاست‌های حایمت از اشتغال هنرمندان مصوب جلسه ۵۳۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است در مدت یک سال مقررات و ضوابط فعالیت تشکل‌های صنفی و هنری را اصلاح، تکمیل و گزارش نهایی آن را به شورای هنر ارائه نماید». اگر در پنذهای دیگر این مصوبه بیشتر دقت کنید متوجه می‌شوید که در تنها موردی که اجازه وضع مقررات بدون نیاز به تصویب در شورای هنر داده شده، همین بند مربوط به تشکل‌های صنفی است. مواردی که از نظر حقوقی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای نظام‌بخشی به فعالیت‌های صنفی اختیار لازم را داده است، ماده واحده مصوبه ضوابط تأسیس مراکز، مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت آنها استادات مناسبی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این فعالیت‌ها تصویب مقررات لازم در جهت استقرار نظام صنفی بخش فرهنگ خواهد بود.

ضررهاینگ

تادرطلب گوهر کانی، کانی

حمید فرید

● چندی پیش اثری موسیقایی روانه بازار شد که نغدهای بسیاری حتی درباره نوشتار جلد آن نیز شد. از شما چه پنهان دست به قلم شدم تا نقدی بر آن بنویسم که طولی نکشید منصرف شدم. با خودم گفتم در این بازار بی‌رونق موسیقی مگر سالی چند الیوم از طرف هنرمندانی توانا نشر داده می‌شود که کسی مثل من به نقد آن بنشینم و بهتر دیدم نقد فنی روند کیفی آوازخوانی آن بر دوش نقدان متخصص باشد. راستش را بخواهید، اوج گرفتن و در اوج ماندن فقط بال‌های بزرگ نمی‌خواهد، نگاه خودت هم باید به اوج باشد و نگاهی به حضیض نداشته باشی. آن چنان باید تصویرگری ماهر باشی تا به آنچه در حوزه خیالت ساختی، برسی. همان خواستن و شدن و رسیدن (هر چیز که در جستن آتی، آنی)، حرم از حوزه خیال آن نیست که با وهم شادم گرفته شود. هنر یک هنرمند باید تداوم داشته باشد. این تداوم یعنی یک عمر زندگی هنری و در مرحله‌اش در اوج بودن. داوری و نوشتن و نگاه تخصصی‌اش را باید برعهده آیندگان سیرد؛ کسانی مانند ما که در بررسی آثار گذشتگان نشستیم. به عادت هر روزم برای برگشتن به منزل مسیری را قدم‌زنان طی می‌کنم، هنر یک گذر از عرض خیابان و در میان ازدحام خودروهایی ساکن در ترافیک، صدای آوازی آشنا از آن‌همه هیاهو به‌سرعت به گوشم می‌رسد. آواز در مایه شوشتری با صدای «داوودی» و«ش شجریان که به عطر کلام حافظ آذین شده؛ «پاسان حرم دل شدام، شب همه شب». جلم عجیب تازه می‌شود و ادامه مسیر را با مستی زرمه‌کردن آواز سیری می‌کنم «یارم به یک لا پیرهن، خوابیده زیر نسترن» بدون شک این قسمت از آواز، زاده «آن» شجریان است. استاد محمدرضا شجریان هنرمندی که در ستایش او نوشتن کار تازه‌ای نیست؛ به‌ویژه در این سال‌ها، نوشتن از او شاید امری اخلاقی جلوه کند. به تعبیر استاد ابتهاج «ما چه خوشبختیم که در زمان



صدای او زندگی می‌کنیم». حقیقت امر این است؛ در هنر این مرزوبوم، کمتر هنرمندی را می‌توان مانند او یافت که تا این اندازه ستایش‌شود. دلشدگان صدایش بی‌شمارند و شاید برای توصیف کسی مانند او فقط می‌توان از کلام حضرت لسان‌الغیب وام گرفت: «بس نکته غیر حسن بیاید که تا کسی/ مقبول طبع مردم صاحب‌نظر نشود». حتی در روزگاری که هنوز رابطه مشکاتیان و شجریان تلخ بود، هیچ‌گاه سخن درشتی از مشکاتیان درباره شجریان شنیده نشد. هر بار که سخن از این ماجراها شده بود، مشکاتیان می‌گفت: «با وجود هرچه گذشته است، شجریان همچنان پهلوان و خداوندگار آواز ایرانی است که کسی حق ندارد به این آستان، اسانه ادب کند». اصلاً چرا درباره او حرف‌زدن باید با ستایش و مدح همراه باشد؟ او وراي همه اینهاست، شجریان در تمام بیش از نیم‌قرن فعالیت هنری‌اش کوشید تا این سنت رشد‌رشار خنیاگری ایرانی را با همه زوایا و گوشه‌ها، همه غنا و عظمت و تنوعش حفظ کند تا به آیندگان منتقل کند. و این سنت خنیاگری را که در عمق این تمدن کهنسال ریشه دارد، از چنگ نوازان هخامنشی تا سده‌های دانیال ساسانی و سپس قاریان کلام وحی پاسدار باشد. کمتر کسی در این تنگه عاشق‌کش، این گذرگاه تنگ، مجال و بخت این را دارد که رندی کند و چنین آثاری از خود بر جا بگذارد. شجریان دیگر یک نام و یک شخص نیست، یک نهاد فرهنگی-هنری کامل است. این نه وهم است و نه شطح؛ این جاری‌بودن و حوال در آینده است؛ یعنی فراتررفتن از حجاب زمان و مکان؛ یعنی شگافتن پرده جسم؛ یعنی عبور از همه قیدهای بشری که شانه به شانه محال می‌زند و آرزوی همه اهل هنر است. او این کار را کرده است؛ هم به یاری بخت و هم به مدد همت و غم خود. شجریان نقد عمر را در ره رسیدن به ازلین‌رواست که صدایش، صدای ای بس و بسیار که خواسته باشد. شجریان نایی است نهاده بر لب‌های جاودانگی و ابدیت. این راز جاودانگی است که آدمی قرن‌ها حیران و سراسیمه در پی آن دوبوده و اندک‌شماری بخت این را داشته‌اند که سر از این روزن بیرون و آن افق روشن را تماشا کنند. سرزمین هنرخی‌زاین آوای خوش کم‌نشنیده؛ اما دشوار است که کسی این چنین صباره همه جریان‌های جدی آوازی موسیقی ما باشد؛ از دوامی و ظلی و اقبال و مهرتاش و عبادی و بنان و قمر و تاج و بورمند و شهناز و دادبده و طاهرزاده و پایور آموخت؛ اما هیچ‌یک از آنان نیست. او صباره همه آنهاست و شاید ازاین‌رواست که صدایش، صدای ایران و بازتاب وقایع تاریخ معاصر است. با خودم می‌گویم: آیین صدا نیز خاموشی نیست. آدمی است دیگر، به امید زنده است. به اینکه یک روز دوباره مهم‌ترین هنرمند معاصر سرزمینش را سالم و سرمست و به دور از هر رنجی ببیند. هنوز برام عجیب است و نمی‌دانم این صدا در میان آن‌همه شلوغی از کجا به گوشم رسید.